

پنجن غباری لوده کرد و در کاه معامه پس شد مع آلودن خون پنجان کفر فیه پاک کجا و آن شخص تهنه پس کجا و پلشت

انبل و رکارد در ماه



انحضرت ام خاتمان چون اینست که حضرت متوجه این معنی نشود خود از آن نازد است عینده موروثی که از راه تقلید بدین  
 واپستان آدمی جای بر شیمی میکند خود در تحصیل این توابع موسوم شد و شمشیر ابدار عالم را از لوث پستی و پاکدستی  
 کاسکی انحضرت از پرده برآید توجه فرمودی ای صاحب حوصله دور بینی از آن درگاه بودی او را در بند خانه داشتی بعد  
 ملازمت عجب اقبال ساختی الحق پس گوئی شایسته بود و همی بلند داشت و سرگناه تربیت نخبین بر کی باقی حکار با  
 که از و بطور نیامدی برای طور بطوت ساسی و کاسی طاهر بنان سر او را بکلی فرستادند و توه او را بدار الملک  
 رده بردار عبرت کردند عالم از شور و شغف گویند و جهانیان را آسودگی و خرسندی پدید آمد و از بیابان کرمان  
**ایب حاق** در وقت حضرت شامس که درین زمانه انکه چون در سنه ۱۰۰۰ هجری قمری فرمود  
 اینست که در دار السلطه دلی درنگامی که حضرت جهانبانی حجت است با بعد از فتح بکنده رانجا شریف آورده بودند در تصویر  
 بوجوب اشاره عالی شوق تصویر می نمودند و نادره کاران را یک پنجم میر سید علی منصور و خواججه عبدالصمد شیرین که از  
 بی بلان این فنسند در ملازمت بوده راه و روش این کار بدیع مذکور می ساحت مذروزی در کتابخانه حضرت جهانبانی آن  
 نسخ جامع الی بحسب تحسین خاطر تصویر تو چون در صورت آدمی نکاشت علم الهی تم پاخته بطریق عضو غرض ان مثال از عم  
 جدا افتاده بود یکی از دولت یافتی حضور آن نقش بدیع دیده است فسار نمود بر زبان غیب ترجمان انحضرت کثرت کرد  
 صورت سیموست و حال که در آن وقت نام و نشانی از سیمو نبودست معان حقیقت کار در دنیا قدر است شکاف ان زمانه  
 و در آن روز که پیرانم التماس نمود و گوشتش میکرد که سیمو بدست تقدیر حوس در بشمیه بگذراند بر زبان مقدر کثرت کرد که کار  
 این مغرور را در آن روز ساخت ام و بند از بند کرده ام و اشارت حکام این تصور فرمودند سپهان امد در آن روز چه  
 وقت و بچه طرز زبان فعل و بیان قول سبر این واقعه دولت اوداده بودند امی اموز و فرودادی حاضر و غایب  
 پس شب بجان طاهر باشد ام پس فروردان یزدی که گوهر پاک این شکر گردان حق واپستان عقلمنظر نور الهی و مطلع خود  
 جیتی است که شسته خون این در خدمت حالت و غایب چون حاضر در شرف حضور کسی که خدا را حاضر داند و ناپست غایب  
 چه کار حاشا حاشا ان غایب ناشد پاک شاه راه ارادت بوالفضل که را تم این پناه افضل است روزی صورت این  
 واقعه که است پناز از انحضرت رسید فرمودند که علم غیبی سیری بر زبان داده بود و سر این کار و بهتر داند در خشدین حضرت  
 آنچه پرده کردید نخبین قوی حوصله عالی فطرتی که ما چندین نخبانای اقسام باده شوش را با که پهلوانان باهمنی از آن بد  
 میرساندگی می آغاز جوانی دولت صوری بیوم شراب سطوت معنی چهارم باده چسب طلسمی نجم مدام لطف باطنی هوس